



Studies on Understanding Hadith

P-ISSN: 2588-3895

E-ISSN: 2588-4417

DOI: 10.30479/mfh.2024.20234.2364



Validation of the Phrase “Narrating from the Weak Narrators” in the Character of Ahmad bin Muhammad bin Khalid al-Barqi Based on the Book “al-Mahasen”

Robabe Azizi*

Roohallah Mohamadali Nejadomran²

Abstract

The book of narrations “Al-Mahasen” by Ahmad bin Muhammad bin Khalid Barqi (died 274 AH) is one of the foundational sources for the early works such as “al-Kafi” and “Man La Yahzorhu al-Faqih.” Despite being trusted and reliable among religious scholars, Barqi has narrated hadiths from some weak narrators, leading to the claim that he “narrates from weak narrators,” which has been a point of criticism against him. This article employs a descriptive-analytical method to examine the validity of this assertion regarding Ahmad bin Muhammad bin Khalid al-Barqi and how a scholar can be evaluated while using weak traditions in “al-Mahasen.” The findings indicate that early and later scholars do not reach a consensus on the character of “Abusomayna” and “Abd al-Rahman bin Hammad,” while opinions on other weak narrators in “al-Mahasen” largely stem from Ibn Ghazaeri without compelling analysis. Furthermore, the perceived weakness of some narrators investigated is often due to relative excessive veneration. Therefore, the phrase “narrates from weak narrators” regarding Ahmad bin Muhammad bin Khalid al-Barqi may not be entirely accurate. Barqi’s approach to using the narrations of weak narrators can be categorized in three ways: first, he may not believe in their weakness; second, he used their traditions after validating them; and third, he adopted a mixed approach in quoting these narrators.

Keywords

Narrating from Weak Narrators, al-Mahasen, Ahmad bin Muhammad bin Khalid Barqi, Validation.

Article Type: Research

1. Responsible Author, Phd Student, Department of Quran and Hadith Sciences, Allameh Tabataba’i University, Tehran, Iran. Email: ro.azizi1992@gmail.com

2. Associated Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Allameh Tabataba’i University, Tehran, Iran. Email: alinejad@atu.ac.ir

Received on: 03/05/2024 Accepted on: 08/10/2024

Copyright © 2024, Azizi & Mohamadali Nejadomran

Publisher: Imam Khomeini International University.





تلفن: ۰۲۱-۲۸۸۸-۲۸۹۵
شماره مجله: ۰۲۱-۲۸۸۸-۴۴۱۷

مطالعات فقه حدیث



DOI: 10.30479/mfh.2024.20234.2364

اعتبارسنجی عبارت «یروی عن الضعفاء» در شخصیت رجالی «احمد بن محمد بن خالد برقی» با تکیه بر کتاب «المحاسن»

ربابه عزیزی^۱

روح الله محمدعلی نژاد عمران^۲

چکیده

کتاب روایی «المحاسن» احمد بن محمد بن خالد برقی (متوفی ۲۷۴ق) به عنوان یکی از منابع اصیل در نگارش کتب اربعه اولیه هم چون «الکافی» و «من لا یحضره الفقیه» بوده است. نویسندگان کتاب با وجود این که در بین علمای رجالی از توثیق و وثاقت برخوردار می باشند اما از برخی مشایخ ضعیف، نقل حدیث داشته و درباره وی گفته اند: «یروی عن الضعفاء» که این ویژگی موجب نقد وی و چرایی نقل از ضعیفاء شده است. بدین جهت مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی در صدد راستی آزمایی عبارت مربوطه درباره احمد بن محمد بن خالد برقی است و این که چگونه شخصی می تواند توثیق شود در حالی که از مشایخ ضعیف در کتاب «المحاسن» استفاده نموده است. نتایج نشان می دهد که علمای رجالی متقدم و متاخر جز درباره شخصیت «ابوسمینه» و «عبدالرحمان بن حماد»، در مورد دیگر مشایخ ضعیف اتحاد و هماهنگی ندارند و اعتقاد به ضعف مشایخ کتاب «المحاسن» توسط برخی از علمای متاخر نیز، نقل قول از ابن غضائری و بدون تحلیل است. هم چنین علت ضعف برخی از مشایخ بررسی شده از نوع غلو نسبی می باشد. بنابراین می توان گفت که کار بست عبارت «یروی عن الضعفاء» درباره شخصیت رجالی ایشان چندان صحیح نیست. رویکرد برقی در استفاده از روایات مشایخ ضعیف را می توان به سه صورت دانست: اول این که خود احمد بن محمد بن خالد برقی اعتقادی به ضعف ایشان ندارد؛ دوم این که هر چند این مشایخ ضعیف هستند اما احمد بن محمد بن خالد برقی پس از اعتبارسنجی روایات ایشان، از روایات استفاده نموده و سوم این که برقی رویکردی ترکیبی در نقل از این مشایخ داشته است.

کلیدواژه‌ها

روایت از ضعیفاء، المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، اعتبارسنجی.

نوع مقاله: پژوهشی

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسنول) ro.azizi1992@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. alinejad@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۷



ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

۱. طرح مسأله

وظیفه علم رجال به‌عنوان یکی از شاخه‌های علوم حدیث، بررسی تک تک راویان مذکور در سلسله سند است تا بدین طریق راویان ضعیف از ثقه تشخیص داده شوند؛ چون یکی از راه‌های دست‌یابی به علوم دینی از جمله استنباط احکام فقهی، براساس احادیث می‌باشد. مجموع آیات قرآنی که در استنباط احکام قرار می‌گیرد به اعتقاد مشهور فقها از پانصد آیه تجاوز نمی‌کند (زرکشی، ۱۳۷۶ ش، ۲: ۱۳۰؛ بشروی خراسانی، ۱۴۱۲ اق، ۲۵۶)،^۱ از سوی دیگر اجماع کاشف از قول معصوم به صورت محصل نادر است و عقل نیز فقط در مستقلات عقلی و مسأله تحسین و تقبیح عقلی و بعضی از غیر مستقلات عقلی کاربرد دارد؛ بنابراین برای استنباط قسمت عمده‌ای از احکام شرعی و حتی استخراج مطالب غیر فقهی هم چون تفسیر، تاریخ و علم کلام نیاز به احادیث صحیح و موثق می‌باشد که در این صورت نیاز به علم رجال و بررسی وثاقت روات حدیثی در کتب روایی ضروری می‌نماید (ترابی، ۱۳۸۷ ش، ۳۵).

کتاب روایی «المحاسن» به‌عنوان یکی از مجموعه‌های بزرگ متقدم حدیثی، جایگاه مهمی در نشر احادیث علوی داشته به‌گونه‌ای که نویسندگان کتب «الکافی»، «من لایحضره الفقیه» و «تهذیبین» از این مجموعه حدیثی به‌فور استفاده نموده‌اند (ستار و همکاران، ۱۴۰۱ ش، ۹-۳۱)؛ با این وجود علمای رجال در معرفی شخصیت رجالی احمدبن محمدبن خالد برقی نویسنده کتاب می‌گویند: «فِی نَفْسِهِ ثَقَّةٌ وَ یَرُوی عَنِ الضُّعْفَاءِ وَ یَعْتَمِدُ المَرَّاسِیلَ» (طوسی، بی‌تا، ۲۰؛ نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۷۶). این عبارت به شکلی کاملاً مساوی در رجال طوسی و نجاشی آمده که به‌عقیده نویسنده‌ای معاصر، این دو نویسنده مطالب خویش را از یک منبع مشترک که احتمالاً «فهرست ابن‌بطه» می‌باشد، اقتباس کرده‌اند به‌جهت این‌که این فهرست مرجعی برای شمارش عناوین ابواب «المحاسن» بوده است (شیرزاد و دیگران، ۱۳۹۶ ش، ۳). به هر حال نقل احمدبن محمدبن خالد برقی از راویان ضعیف و اعتماد بر روایات مرسل به‌گونه‌ای بوده که موجب اخراج وی از قم توسط احمدبن محمدبن عیسی اشعری شده است (علامه

۱. دیدگاه‌های متفاوتی درباره مجموع آیات الاحکام وجود دارد: برخی با توجه به روایاتی که در کتاب «کافی» آمده معتقدند که یک چهارم قرآن به احکام شرعی پرداخته، برخی دیگر معتقدند که یک سوم آیات به احکام شرعی می‌پردازد (کلینی، ۱۴۰۷ ش، ۲: ۶۲۸) و عده‌ای نیز بنابر دیدگاه مقاتل بن سلیمان معتقد به ۵۰۰ آیه می‌باشند. طی تحقیقی که صادقی فدکی (۱۳۹۱ ش) در مقاله «نقد و بررسی پنج دیدگاه درباره تعداد آیات الاحکام قرآن کریم» انجام داده چنین نتیجه گرفته که عدد دقیقی را نمی‌توان گفت چون ممکن است فقیهی از یک آیه حکمی را استخراج کند و دیگری خیر. به هر حال آنچه مهم است تعداد نسبتاً قابل توجهی از آیات قرآن به احکام اشاره دارد.

حلی، ۱۴۱۱ق، ۱۴؛ ابن داود حلی، ۱۳۴۲ش، ۴۲۱). از سوی دیگر ابن غضائری با عبارت «طَعَنَ الْقَمِيونَ عَلَيْهِ وَ لَيْسَ الطَّعْنُ فِيهِ» (ابن غضائری، ۱۳۶۴ش، ۳۹) معتقد است که هر چند عالمان قم معتقد به ضعف وی می‌باشند ولی طعنی متوجه وی نیست. بنابراین مساله مهم پژوهش حاضر این است که چگونه شخصیتی مثل احمدبن محمدبن خالد برقی می‌تواند توثیق شود در حالی که از مشایخی ضعیف در کتاب «المحاسن» استفاده نموده است.

نویسنده کتاب «المحاسن» و خود کتاب مورد نظر از زوایای گوناگون رجالی، سندی و متنی مورد توجه و کنکاش محققان قرار گرفته که به صورت مروری به آن‌ها اشاره می‌شود: در مقاله «احمدبن محمدبن خالد برقی در آئینه المحاسن» (معارف و قربانی زرین، بی‌تا) نویسنده در ابتدا به معرفی پدر و پسر برقی و سپس به مجموعه کتب محاسن که در رجال طوسی و نجاشی آمده پرداخته است و بقایای موجود از کتاب محاسن را در کتب امروزی همچون «الکافی» بررسی نموده بر اصالت آن صحه گذاشته است؛ موضوع مقاله «اخراج راویان قم؛ اقدامی اعتقادی یا اجتماعی» (طالقانی، ۱۳۹۱ش) بررسی اخراج شدگانی می‌باشد که در سده سوم هجری توسط احمدبن محمد عیسی اشعری از قم اخراج شده‌اند.

به‌زعم نویسندگان علت اخراج ایشان از جمله احمد بن محمدبن خالد برقی مساله غلو نبوده بلکه مسائل دیگری همچون موضوعات سیاسی موجب این امر شده است؛ مقاله «جریان فکری ادب و بازخوانی دلایل اخراج و بازگشت احمد برقی به قم» (شیرزاد و نورایی، ۱۳۹۶ش) به‌علل اخراج و بازگشت برقی به قم می‌پردازد؛ در مقاله «اعتبارسنجی احادیث فضائل القرآن در کتاب المحاسن برقی با تکیه بر منابع حدیثی شیعه» (شمخی، بستانی و چنانی، ۱۳۹۷ش) نویسنده معتقد است که اکثر احادیث «فضائل القرآن» کتاب برقی از لحاظ سندی و متنی صحیح بوده است؛ در مقاله «دلایل اعتماد شیخ صدوق به روایات ابوسمینه» (طاهریان‌قادی و همکاران، ۱۳۹۸ش) نویسندگان مقاله به‌صورت موردی به شخصیت ابوسمینه به‌عنوان یکی از راویان محاسن برقی و دلایل اعتماد صدوق را کنکاش کرده‌اند؛ مقاله «بررسی و تحلیل رویکرد احمدبن محمدبن خالد برقی به روایات مهدوی با تاکید بر کتاب المحاسن» (دلبری و کامیاب، ۱۴۰۱ش) ضمن برشمردن چهارده روایت مهدوی در «المحاسن» به‌محتوای آن‌ها که به مساله انتظار، عصر ظهور و سیره حکومتی حضرت مهدی اشاره دارد می‌پردازد؛ مقاله «تحلیل و بررسی غلو ابوسمینه؛ از راویان احادیث مهدوی و اعتبار یا

بی اعتباری روایاتش» (موسوی، تقدیسی و حسینی میرصفی، ۱۴۰۱ش) شخصیت غلوگونه ابوسمینه را ضمن روایات مهدوی بررسی کرده و نویسنده مقاله «وثاقت برقی با تاکید بر مشایخ او در کتاب المحاسن» (توحیدلو، ۱۳۹۴ش) با استفاده از نسخه اصلی کتاب، ۲۳۹ فرد را شمارش کرده که احمدبن محمدبن خالد برقی برقی از ایشان روایت داشته و سپس طی یک تقسیم بندی راویان را در سه گروه موثق، قوی و ضعیف طبقه بندی نموده است. تحقیقات صورت گرفته از چهار حالت خارج نیست: ۱. بررسی وثاقت احمد بن محمد بن خالد برقی؛ ۲. جایگاه و ارزش علمی کتاب المحاسن؛ ۳. روایات موضوعی کتاب و ۴. بررسی موردی راویان کتاب المحاسن. در پژوهش های انجام شده تنها مقاله ای که در راستای پژوهش حاضر می باشد، بررسی موردی شخصیت «ابوسمینه» است؛ اما مساله مقاله پیش رو اعتبارسنجی عبارت «یَروِی عَنِ الضُّعَفَاء» درباره معرفی رجالی احمد بن محمدبن خالد برقی با توجه به مشایخ ضعیف کتاب «المحاسن» می باشد. برای دستیابی به این هدف در ابتدا، هفت نفر از مشایخ ضعیف کتاب «المحاسن» انتخاب شده و سپس به بررسی آرای علمای رجالی متقدم و متاخر در قول به تضعیف مشایخ پرداخته و در پایان عبارت «یَروِی عَنِ الضُّعَفَاء» درباره شخصیت رجالی برقی راستی آزمایی و سنجیده می شود.

۲. شناخت مفاهیم بنیادین

پیش از ورود به مساله اصلی تحقیق که راستی آزمایی عبارت «یَروِی عَنِ الضُّعَفَاء» درباره احمدبن محمدبن خالد برقی است، معرفی احمد بن محمد بن خالد برقی و کتاب «المحاسن» و نیز چیستی معانی واژه ضعیف به عنوان مفاهیم مقدماتی ضروری می نماید.

۲-۱. معرفی احمدبن محمدبن خالد برقی

احمدبن محمدبن خالد بن عبدالرحمن بن محمدبن علی البرقی، مکنّی به أبوجعفر، اصالتاً اهل کوفه است. جدش محمدبن علی توسط یوسف بن عمر والی مدینه در ماجرای خروج زید بن علی بن حسین، ابتدا دستگیر و پس از شهادت زید، جدّ خالد برقی نیز کشته می شود. بدین صورت پدر احمدبن خالد برقی به منطقه برق رود و یا برقه رود واقع در عراق عجم گریخت (علامه حلی، ۱۳۴۲ش، ۴۰). تاریخ تولد احمدبن محمدبن خالد برقی دقیقاً مشخص نیست اما دو احتمال وجود دارد: تولد احمدبن خالد بعد از ۲۰۰

قمری واقع شده (میرسلیم، ۱۳۷۵ش، ۳: ۱۵۸) و یا در سال ۱۸۶ق به دنیا آمده است؛ چون برخی وی را از اصحاب امام رضا (ع) می‌دانند و روایتی در کتاب کافی وجود دارد که نشان‌دهنده روایت مستقیم احمدبن محمدبن خالد برقی از امام (ع) می‌باشد (کلینی، ۱۴۰۷ش، ۱: ۲۳۴). زمان فوت وی نیز در سال ۲۷۴ق یا ۲۸۰ق رخ داده که نظر دوم را علی‌بن محمد ماجیلویه، نوه دختری برقی، بیان کرده است (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۷۷).

احمدبن محمدبن خالد برقی در طول حیات علمی خود از جمله اصحاب امام رضا (ع) (ابن داود، ۱۳۴۲ش، ۵۹) و امام جواد (ع) (همان؛ طوسی، ۱۴۲۷ق، ۳۷۳) معرفی شده و دارای دو کتاب «الرجال برقی» و «المحاسن» می‌باشد. از نظر علمای رجال، احمدبن خالد برقی «فی نفسه ثقه» است اما از ضعفاء روایات زیادی داشته و به احادیث مرسل اعتماد کرده است (طوسی، بی‌تا، ۲۰؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۷۶) به‌گونه‌ای که احمدبن محمدبن عیسی اشعری او را از شهر قم بیرون کرد اما پس از مدتی وی را بازگرداند و عذر خواست (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ۳۹؛ علامه حلی، ۱۴۰۲ق، ۱۴) و در روز خاکسپاری وی سربرهنه و پابرهنه حضور یافت (علامه حلی، ۱۴۰۲ق، ۱۴)؛ البته طی تحقیقی که توسط آقای طالقانی صورت گرفته، علت اخراج احمدبن خالد از شهر قم و دیگر روایانی که متهم به غلو بوده‌اند فقط مساله غلو نبوده بلکه این اخراج‌شدگان گروه اجتماعی فعالی بودند که حضور ایشان در قم با توجه به شرایط سیاسی آن زمان، برای بقای جامعه شیعی قم مناسب نبوده به‌خاطر همین احمدبن محمد عیسی اشعری تصمیم به اخراج ایشان می‌گیرد (طالقانی، ۱۳۹۱ش، ۹۲-۱۰۵).

۲-۲. معرفی کتاب «المحاسن»

کتاب «المحاسن» احمدبن محمدبن خالد برقی از جمله مهم‌ترین کتب جامع قرن سوم است که در تدوین و تالیف کتب قرون بعدی نقشی مهم دارد. شیخ طوسی در کتاب «الفهرست» به جهت دسترسی به شماری از کتب «المحاسن» آن را نام برده و سپس از طریق «فهرست ابن‌بطه» کتاب‌های دیگری نیز به مجموعه «المحاسن» اضافه می‌نماید در حالی که نجاشی (ره) فقط به ذکر نام کتب «المحاسن» بر طبق فهرست ابن‌بطه می‌پردازد. طی بررسی و شمارشی که در مقاله «احمدبن محمد خالد برقی در آئینه المحاسن» انجام شده تعداد کتب المحاسن بدین‌صورت است (معارف و قربانی زرین، بی‌تا، ۸-۱۰).

شکل ۱- فراوانی کتاب المحاسن در کتب رجالی

ردیف	تعداد کتب	فهرست طوسی	فهرست نجاشی	توضیحات
۱	۴۷	*	*	نام ۴۷ کتاب به طور دقیق با عناوینی یکسان در هر دو فهرست آمده است.
۲	۱۶	*	*	عناوین کتاب اندکی با یکدیگر فرق دارند مثل «المواهب» در فهرست نجاشی و «المواهب و المحظوظ» در فهرست طوسی.
۳	۱۸	-	*	فقط در فهرست نجاشی آمده است.
۴	۲۲	*	-	فقط در فهرست طوسی آمده است.
۵	۹	*	*	این ۹ کتاب از فهرست این بطنه آمده که دو کتاب در فهرست نجاشی نیست و دو کتاب جزء سایر تالیفات احمد بن محمد بن خالد برقی شمارش شده است.

در اهمیت کتاب «المحاسن» می‌توان به رجوع فراوان صاحبان کتب روایی متقدم و متاخر به آن اشاره کرد. شیخ کلینی در «الکافی» از این کتاب بسیار نقل می‌کند، شیخ صدوق آن را جزو منابع معتبر و مورد اعتماد خود دانسته و می‌فرماید: «برای تدوین کتاب «من لایحضره الفقیه» از کتب مشهوری همچون کتاب «المحاسن» احمد بن ابی عبدالله برقی استفاده نموده‌ام» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۱: ۴)، در مقدمه کتاب «بحارالانوار» نیز جزو منابع معتبر آمده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱، مقدمه: ۲۷)، قاضی نورالله شوشتری در کتاب «مصائب النواصب» معتقد است که کتب اولیه حدیثی شش عدد می‌باشد که شامل کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیبین، قرب الاسناد حمیری و کتاب المحاسن است (برقی، ۱۳۷۱ش، ۱: بخش ۱: ۱۴)؛ اما آنچه امروزه از کتاب «المحاسن» باقی مانده، مشتمل بر ۱۱ کتاب است: کتاب الاشکال و القرائن، کتاب ثواب الاعمال، عقاب الاعمال، الصفوه و النور و الرحمه، مصابیح الظلم، العلل، السفر، المآکل، الماء و المنافع و المرافق (برقی، ۱۳۷۱ش) که نشان‌دهنده از بین رفتن کتاب در گذر ایام می‌باشد.

۲-۳. چستی معنای رجالی واژه «ضعیف»

علمای رجال برای تضعیف روای حدیثی، از الفاظ متعددی برای آشکار نمودن ضعف رجالی راوی استفاده می‌کنند. واژه ضعیف به دو صورت آمده است: مطلق و بدون

مضاف الیه و با مضاف الیه به صورت «ضعیف الحدیث». علامه صدر می‌فرماید: «اگر ضعیف به صورت مطلق ذکر شود دال بر قدح راوی است ولی در صورت دوم چنین دلالتی ندارد (صدر، بی‌تا، ۴۳۱). کاربرد واژه ضعیف به شکل مطلق در توصیفات رجالی دارای مصادیق متفاوتی مثل «مضطرب»، «غال»، «مرتفع القول»، «متهم»، «ساقط»، «کذب»، «وضاع»، «لیس بشیء»، «پرووی عن الضعفاء»، «لا یبالی عمّن أخذّه»، «یُعرفُ حدیثه و ینکره» و مواردی از این قبیل است. هم‌چنین روایت کسی که بعد از عقیده درست فاسق می‌شود یا بالعکس، معتبر نیست مگر این که بدانیم یا ظن داشته باشیم که در هنگام نقل حدیث یا تحمل حدیث صالح بوده است یا نه (بهایی، بی‌تا، بخش اول: ۶). به عقیده برخی محققان (قاسم‌نژاد، ۱۴۰۲ ش، ۱۶۴-۱۶۵) در کتب روایی و فقهی شیعه دو گونه برخورد با روایت راویان ضعیف دیده می‌شود: الف) عده‌ای ضعیف بودن راوی را مساوی با کنار گذاشتن روایات او می‌دانند (خویی، ۱۴۱۳ق، ۱: ۷۱).

در واقع این عده به وثوق سندی سخت پایبندند و معمولاً ضعیف بودن راوی را به معنای عدم اعتبار روایات او تلقی می‌کنند. شهیدثانی، محقق اردبیلی، شیخ حسن عاملی و سیدمحمد عاملی از قائلان به وثوق سندی هستند (شهیدثانی، ۹۵۶ق، ۱۰: ۲۵۳؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۱: ۸۹) و بسیاری از محدثین، روایات ضعیف را در کتب حدیثی خود نقل کرده‌اند. مرحوم کلینی روایات بسیاری از راویان ضعیف را در کافی ذکر کرده است. به عبارتی وی ضعف راوی را دلیل بر ضعیف بودن روایت ندانسته‌اند. فقها نیز برخی با وجود ضعف راوی، روایت وی را معتبر و معیار عمل دانسته‌اند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۱: ۳۵۵؛ طباطبائی حکیم، ۱۴۱۶ق، ۱: ۲۲۱). حاج آقا رضا همدانی، محقق سبزواری، شیخ انصاری، آقای بروجردی و آقای حکیم ضعف راوی را مزاحم اعتبار روایت نمی‌شمارند (موحدی‌لنکرانی، ۱۳۸۸ش، ۱: ۲۷۲؛ خاتمی، ۱۳۹۵ش، ۳: ۴۰) این دو برخورد متفاوت در برابر روایات راویان ضعیف، این فرضیه را شکل می‌دهد که مفهوم ضعف در نزد اندیشمندان متقدم رجالی ما به معنای کنار گذاشتن و ترک روایت نبوده است.

در کتاب «المحاسن» امروزین که مشتمل بر یازده کتاب، ۵۱۲ باب و ۲۶۰۴ حدیث است، هفت نفر از مشایخ احمدبن محمدبن خالد برقی همچون محمدبن علی الصیرفی ابوسمینه، عبدالرحمان بن حماد کوفی، ابو عبدالله الرازی الجامورانی، عثمان بن عیسی الکلابی واقفی، بکر بن صالح رازی، شریف بن سابق تفلیسی و قاسم بن یحیی توسط غالب علمای رجال تضعیف شده است. علت انتخاب مشایخ مورد نظر این می‌باشد که پیش از این در مقاله‌های معارف و قربانی‌زرین (۱۳۹۱ش) و توحیدلو (۱۳۹۴ش) تمام

مشایخ موثق، ضعیف و قوی کتاب «المحاسن» موجود مورد بررسی قرار گرفته که هر دو مقاله در غالب موارد معتقد به ضعف این مشایخ می‌باشند.

۳. آرای علمای متقدم و متاخر رجالی در قول به تضعیف برخی از مشایخ کتاب «المحاسن» با توجه به آرای رجالی متقدمان و متاخران درباره مشایخ احمد بن محمد بن خالد برقی در کتاب «المحاسن»، ضعف راویان کتاب مورد نظر از سه نوع غلو، واقفه و ضعف مطلق می‌باشد.

۱-۳. ضعف راوی به جهت غالی‌گری

از جمله عللی که می‌توان در ضعف مشایخ کتاب «المحاسن» نام برد، داشتن اعتقادات غلوآمیز می‌باشد. غالی بودن نشان‌دهنده ذم و قدح راوی و به معنای غلوکننده در دین است. تعابیر دیگری نظیر «فی مذهب ارتفاع»، «مُرْتَفَعُ الْقَوْل» و «كَانَ مِنَ الطَّيَّارَةِ» ذیل این واژه قرار می‌گیرند.

۱-۱-۳. محمد بن علی الصَّیْرَفِي أَبُو سَمِينَةَ

محمد بن علی بن ابراهیم بن موسی ابوجعفر (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۳۳۲؛ خویی، ۱۴۱۳ ق، ۱۷: ۳۱۹) با القاب القرشی (طوسی، ۱۴۲۷ ق، ۳۶۴)، المقری (طوسی، بی‌تا، ۱۴۸) الصیرفی (طوسی، ۱۴۰۴ ق، ۳۳۲) الکوئی (خویی، ۱۴۱۳ ق، ۱۸: ۱۵۷)، الطاحی (طوسی، ۱۴۰۴ ق، ۲: ۸۲۳) و الهمدانی (ابن غضائری، ۱۴۲۲ ق، ۹۵) و کینه أبو سَمِينَةَ (طوسی، ۱۴۰۴ ق، ۲: ۸۲۳؛ طوسی، بی‌تا، ۴۱۲، ش ۶۲۵) در کتب رجالی معرفی شده است. وی مدتی در شهر قم زندگی کرده که احمد بن عیسی او را به جهت غلو از شهر بیرون می‌کند. علمای رجال وی را ضعیف دانسته و علت آن را شهرت وی در کذب و غلو بیان کرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۴ ق، ۲: ۸۲۴؛ علامه حلی، ۱۴۰۲ ق، ۲۵۳؛ طوسی، ۱۴۲۷ ق، ۴۳۸) درباره وی «كَذَّابٌ شَهِيْرٌ فِي الْاِرْتِفَاعِ»، «لَا يَلْتَمِزُ اِلَيْهِ» و «لَا يَكْتَسِبُ حَدِيْثُهُ» نیز گفته شده است (طوسی، بی‌تا، ۱۴۶). فضل بن شاذان می‌گوید: «افرادى مثل ابوالخطاب، یونس بن ظبیان، محمد بن سنان و یزید الصائغ به کذاب بودن شهرت دارند اما مشهورتر از آنان أبو سَمِينَةَ است» (طوسی، ۱۴۰۴ ق، ۲: ۸۲۴).

شیخ طوسی می‌گوید: «أبو سَمِينَةَ کتبی مثل کتب حسین بن سعید دارد» (طوسی، بی‌تا، ۱۴۶) که به گفته شیخ مفید غالب روایاتش دارای تخلیط، غلو، تدلیس، منفرد و فقط از طریق خودش نقل شده است (علامه حلی، ۱۴۰۲ ق، ۲۵۳): با این وجود شیخ

صدوق از اَبوسمینه ۲۱۲ روایت نقل کرده است^۱ (طاهریان‌قادی و همکاران، ۱۳۹۸ش، ۱۲). استفاده گسترده روایات اَبوسمینه توسط ابن بابویه را نمی‌توان به دلیل سهل‌انگاری وی در انتخاب حدیث صحیح از ناصحیح دانست بلکه با استفاده از دلایل و قراینی مثل نسبی بودن مفهوم ضعف نزد صدوق، نقد محتوایی روایت، توجه به موضوع روایت، عدم باور به همه منقولات، تقدم کتاب شناسی بر سندشناسی و تفکیک در نقش راوی از روایات اَبوسمینه استفاده نموده است. همچنین بیشتر روایات اَبوسمینه که شیخ صدوق استفاده کرده، برگرفته از تالیفات وی نبوده است؛ به عبارتی او در برخی از روایات موجود، نقش ناقل کتاب حدیثی را داشته و تعدادی از روایات او بعد از تنقیح بزرگان حدیثی، به کتاب‌های بعدی وارد شدند و صدوق از این منابع، روایات را اخذ کرده است (طاهریان‌قادی و همکاران، ۱۳۹۸ش، ۹-۳۶).

مجموع روایات نقل شده از طریق اَبوسمینه در کتاب «المحاسن» ده روایت می‌باشد که با نام‌های محمدبن‌علی الصیرفی دو روایت، محمدبن‌علی الهمدانی چهار روایت و اَبوسمینه چهار روایت آمده است و این روایات در کتب اربعه اولیه و ثانویه آمده که به چهار مورد آن‌ها اشاره می‌شود.

ردیف	عن ...	المحاسن	الكافی	بحارالانوار	من لایحضره الفقیه	التهدیب	وسائل الشیعه
۱	عن محمدبن‌علی اَبوسمینه	«قُلْتُ لابی الحَسَنِ (ع) مَا تَقُولُ فِی رَجُلٍ مُجَلٍّ وَقَعَ عَلَی إِمْرَأَتِهِ». ۳۱۰: ۲	:۱۷ :۳۵۰ :۱۳ ۶۸۱	۱۷۱: ۹۶	:۲ :۱۹۰	:۵ :۱۲۰	:۱۳ :۱۲۰
۲	عن اَبو (أبی) سمینه	«قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ نُسَافِرٌ فَلَا یَكُونُ مَعَنَا نُخَالَهُ ...». ۳۱۲: ۲	:۶ :۶۲۶	۷۵: ۷۳			:۲ :۷۹
۳	عن اَبو (أبی) سمینه	«یا جَعْفَرُ کُلِّ الاسْفَرَجِلِ فَإِنَّهُ یَقْوَى الْقَلْبَ ...». ۵۴۹: ۲	:۶ :۳۵۷	۱۷۰: ۶۳			:۲۵ :۱۶۵
۴	محمدبن‌علی الصیرفی	«مَنْ اصْطَنَعَ الِی أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ بَیْتِی ...». ۶۳: ۱	:۴ :۶۰	۲۲۸: ۲۶	:۲ :۶۵	:۴ :۱۱۰	:۱۶ :۳۳۶

۱. طی تحقیقی که در مقاله «دلایل اعتماد شیخ صدوق به روایات اَبوسمینه» (طاهریان‌قادی و همکاران، ۱۳۹۸ش) براساس نرم افزار اسناد صدوق انجام شده، ۲۱۲ روایت از اَبوسمینه در اسناد صدوق موجود می‌باشد.

جدول بالا نشان می‌دهد؛ با وجود این‌که صاحبان کتب اربعه اولیه و ثانویه به ضعف اوسمینه معتقد بودند اما با معیارها و ملاک‌هایی که در اختیار داشتند و به خصوص اصول اولیه به جهت نزدیکی زمانی، از روایات اوسمینه استفاده نموده‌اند. همچنین یکی از دلایل ضعف اوسمینه، غلو او می‌باشد که برخی معتقدند بررسی روایات مهدوی که از وی نقل شده نشان می‌دهد که غلو او از نوع غلو نسبی و فضائلی می‌باشد و از نوع غلو ذات نیست (حسینی میرصفی، ۱۴۰۱ش، ۲۰۱-۲۱۸).^۱

به عبارتی ضعف اوسمینه از نوع غلو نسبی است و نیز علمای متقدم همچون شیخ صدوق (ره) پیش از ذکر روایاتی که از طریق اوسمینه نقل شود به سنجش و صحت روایات پرداخته است.

۳-۱-۲. عبدالرحمان بن حماد کوفی

یکی دیگر از مشایخ احمد بن محمد بن خالد برقی در کتاب «المحاسن» عبدالرحمان بن (ابی) حماد کوفی صیرفی با کنیه ابوالقاسم یا ابومحمد می‌باشد. وی اصالتاً اهل کوفه است که به قم مهاجرت می‌کند و صاحب خانه احمد بن محمد بن خالد برقی بود. ابن غضائری وی را ضعیف و غالی دانسته (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ۸۰-۸۱؛ علامه حلی، ۱۴۰۲ق، ۲۳۹؛ ابن داود حلی، ۱۳۴۲ش، ۲: ۴۷۳)؛ اما نجاشی وی را متهم به ضعف و غلو می‌داند (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۲۳۹).

شیخ طوسی و نجاشی برای عبدالرحمن کوفی کتاب‌هایی ذکر کرده‌اند. شیخ طوسی کتاب را از طریق مشایخش از ابی مفضل از ابن بطه از احمد بن محمد بن خالد از پدرش از عبدالرحمان بن حماد روایت کرده (طوسی، بی‌تا، ۱۰۹) و نجاشی کتاب را از طریق ابن شاذان از احمد بن محمد بن یحیی از پدرش از ابی خطاب از عبدالرحمان بن حماد روایت کرده است (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۲۳۲). این طرق نشان می‌دهد که کتاب عبدالرحمان بن حماد را حداقل دو تن از مشایخ قمی ثقه یعنی محمد بن یحیی و احمد بن یحیی روایت کرده‌اند.

دو نکته درباره عبدالرحمان بن حماد قابل توجه است: اول این‌که ابن غضائری وی را ضعیف و غالی دانسته اما نجاشی وی را متهم به ضعف می‌کند در حالی‌که نجاشی شاگرد پدر ابن غضائری است و نیز شیخ طوسی جرح و ذمی نسبت به

۱. مقاله «تحلیل و بررسی غلو اوسمینه؛ از روایان احادیث مهدوی و اعتبار یا بی اعتباری روایاتش» برگرفته از رساله دکتری است که در مجله حدیث پژوهی در سال ۱۴۰۱ش چاپ شده است. نویسنده در مقاله تمام روایات مهدوی که از طریق اوسمینه نقل شده را تحلیل می‌نماید.

عبدالرحمان بن حماد ندارد و فقط به شمارش کتاب وی می‌پردازد. به اعتقاد سید بن طاووس عدم ذم علمای رجال و سکوت به گونه‌ای دلالت بر مدح دارد؛ بنابراین نمی‌توان عبدالرحمان بن حماد را به صراحت ضعیف دانست و نکته دوم این که در رجال نجاشی اسم عبدالرحمان بن حماد با «أبی حماد» و در رجال طوسی تنها عبدالرحمن بن حماد آمده است. بررسی کتب کافی و تهذیبین نیز نشان دهنده نقل روایاتی از عبدالرحمن بن حماد می‌باشد ولی از عبدالرحمن بن ابی حماد روایتی نیامده؛ بنابراین کلمه «أبی» در رجال نجاشی زیاد می‌باشد که شاید به علت سهو در نسخه برداری باشد (خویی، ۱۴۱۳ق، ۱۰: ۳۱۹).

مساله مهم این است که عبدالرحمن بن حماد در نقل احادیث از طریق یا طریق‌های ثابتی استفاده نموده و از افراد متفاوتی روایت دارد. به‌طور مثال «عبدالله بن ابراهیم» از معدود کسانی می‌باشد که چند بار از وی روایت کرده است. به‌علاوه مشایخ بی‌واسطه عبدالرحمن بن حماد بیشتر ابراهیم بن عبدالحمید، زیاد بن مروان و حنان بن سدیر هستند که هر سه از واقفیان به شمار می‌روند؛ اما با تصریح شیخ بر وثاقت ابراهیم و حنان و تأکید مرحوم خویی بر کفایت شهادت ابن قولویه بر وثاقت زیاد بن مروان با وجود این که از سران واقفیه بودند به انضمام این نکته که جریان وقف به جهت تمایز از جامعه شیعه پس از انحراف با عدم پذیرش مواجه شد و تأکید ابن داود بر پذیرش روایاتی از ایشان که از امام صادق نقل شده است این انگاره را تقویت می‌کند که بر خلاف گمان نجاشی و ابن غضائری در حقیقت، مشایخ سرشناس قم به پالایش و پیرایش احادیث او پرداخته و میراث قابل پذیرش وی را منتشر ساخته‌اند (بهرامی و حسینی، ۱۳۹۱ش، ۱۲۰).

بنابراین خود عبدالرحمن بن حماد به جهت غلو متهم به ضعف است و بایستی به این نکته توجه نمود که روایاتی که وی نقل کرده از چه نوعی می‌باشد؟ آیا غلو نسبی است یا غلو در ذات می‌باشد. به‌طور کلی ۱۴ روایت از ایشان در کتاب المحاسن آمده است. در جدول زیر، نسبت و موضوع روایات در مباحث عقاید، احکام و اخلاق به تفکیک آورده شده است.

عقاید (۶ روایت)	احکام (۲ روایت)	اخلاق (۶ روایت)
حب و علاقه به خدا	حد زنا	صبر بر شدائد
حب و علاقه به امامان	طهاره (هم سفره شدن با اهل ذمه)	شکر کردن
صفات انسان منافق		اطعام مومن
صفات انسان مومن		کمک به مسافر
احوال متقین و مجرمین در قیامت		آداب سیر و سفر
اهمیت نیت انسان		آداب غذا خوردن

به عقیده نگارندگان برای بررسی غلو، روایات عقاید از اهمیت برخوردار است که به طور مثال روایت حب و علاقه به امامان «عَنْهُ عَنِ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ وَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَّادِ الْكُوفِيِّ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْغَفَّارِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلْيُحْمَدِ اللَّهَ عَلَيَّ أَوْلَى النَّعْمِ قُلْتُ وَ مَا أَوْلَى النَّعْمِ قَالَ طَيْبُ الْوَلَادَةِ وَ لَا يُحِبُّنَا إِلَّا مَنْ طَابَتْ وَ لَادَتْهُ» در کتب برقی (برقی، ۱۳۷۱ ش، ۱: ۱۳۸)، بحارالانوار (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۲۷: ۱۵۲) و امالی صدوق (صدوق، ۱۳۷۶ ش، ۴۷۵) به همین طریق آمده و نیز در امالی طوسی (طوسی، ۱۴۱۴ ق، ۴۵۵) و بحارالانوار (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۲۷: ۱۵۰) از طرق دیگر با ۷۰ در صد شباهت نقل شده است که مضمون روایت طوسی، روایت مربوطه است. به جز یک روایت که در ادامه خواهد آمد بقیه روایات همچون روایت «حب و علاقه به امامان» که در موضوع عقاید است تقریباً در دیگر کتب متقدم حدیثی نیز نقل شده است.

اما روایتی که فقط یک طریق دارد چنین است: «عَنْهُ عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْغَفَّارِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عَلِيٍّ الْهَبِيِّ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: أَجْلِسْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَيْنَ إِبْرَاهِيمَ وَ عَلِيٍّ إِبْرَاهِيمُ عَنْ يَمِينِي وَ عَلِيٌّ عَنْ بَسَارِي فَيُنَادِي مُنَادٍ نَعْمَ الْأَبُ أَبُوكَ إِبْرَاهِيمُ وَ نَعْمَ الْأَخُّ أَخُوكَ عَلِيٌّ» (برقی، ۱۳۷۱ ش، ۱: ۱۷۹) که پس از برقی، فقط در کتاب بحارالانوار (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۷: ۳۲۹) آمده است. پس با وجود این که عبدالرحمان بن حماد توسط علمای رجال ضعیف شناخته شده اما همین روایاتی که در کتاب «المحاسن» آمده، در کتب دیگر روایی متقدم آمده و نیز روایات عقاید وی نمی تواند دارای حتی غلو نسبی باشند بنابراین این احتمال که احمد بن محمد بن خالد برقی قبل از نگارش روایات وی، آن‌ها را تنقیح نموده است، چندان بعید نمی باشد.

۳-۱-۳. أبو عبد الله الرازی الجامورانی

محمد بن احمد الجامورانی یا ابو عبد الله الرازی الجامورانی از جمله کسانی است که در کتب رجالی و تراجم درباره تولد، وفات و شهر وی چیزی گفته نشده است ولی جست و جو در ویژگی های رجالی وی نشان می دهد که به اعتقاد برخی، وی توسط قمیون تضعیف شده و درباره وی گفته اند «فی مذهبہ ارتفاع» (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ۹۷؛ علامه حلی، ۱۴۰۲ق، ۴۹۸؛ ابن داود حلی، ۱۳۴۲ش، ۲: ۵۶۸) و قمیون وی را از روایات کتاب «نوادیر الحکمه» استثناء کرده اند (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ۹۷)؛ اما شیخ طوسی در توصیف وی، نام او را بدون هیچ مدح و ذمی در باب «من لم یرو من احد الاثمه» آورده (طوسی، ۱۴۲۷ق، ۴۵۲) و نجاشی نیز او را صاحب کتابی به نام «الحديث» دانسته که ابن بطه آن را از احمد بن محمد بن خالد برقی از عبد الله جامورانی نقل می کند (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۴۵۶) به علاوه کتاب «المرشد» نیز توسط ابن شهر آشوب در کتاب «معالم العلماء» آمده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ۲۰: ۳۰۹).

در کتاب «المحاسن» فقط ۵ روایت از اَبی عبد الله جامورانی به نقل از احمد بن محمد بن خالد برقی آمده که تمامی روایات را به جز در یک مورد، از حسن بن علی بن ابی حمزه روایت کرده است.

مجموع روایات جامورانی در کتاب «الکافی» نیز با فراوانی ۲۲ روایت از طریق احمد بن محمد بن خالد برقی، سهل بن زیاد و محمد بن احمد نقل شده است. روایتی که خود جامورانی از ایشان نقل کرده به جز دو مورد همگی از حسن بن علی بن ابی حمزه آمده که ۱۸ روایت آن از امام صادق، دو روایت از امام هفتم (ع) و یک مورد از امام علی بن حسین (ع) است (کلینی، ۱۴۰۷ش). حسن بن علی بن ابی حمزه فرزند علی بن حمزه یکی از شیوخ اصلی جریان واقفه است. به اعتقاد شیخ بهایی احادیث چنین افرادی صحیح نمی باشد مگر این که بدانیم یا ظن داشته باشیم که در هنگام نقل حدیث یا تحمل حدیث صالح بوده اند (بهایی، بی تا، بخش اول: ۶). نکته قابل توجه درباره جامورانی، تعداد ۱۰ روایت از وی در کتاب «کامل الزیارات» می باشد که مشایخ این کتاب توسط برخی از علمای رجال مورد توثیق قرار گرفته است (حرعاملی، ۱۴۱۸ق، ۳۸: ۱؛ خویی، ۱۴۱۳ق، ۱: ۵۰).

آقای خویی می گوید: «شهادت ابن قولویه به اعتبار روایان کامل الزیارات بر توثیق تمام روایان موجود در کامل الزیارات دلالت می کند؛ مگر آن که قرینه ای بر تضعیف وارد شود که بر فرض قوت قرینه، حکم به تضعیف داده می شود» (خویی، ۱۴۱۳ق، ۱۹:

۳۱۱). از دیگر سو آقای شبیری زنجانی معتقدند که به خاطر نقض های بسیاری (یعنی وجود روایان ضعیف و عبارت عن بعض اصحابنا) که در کتاب ابن قولویه وجود دارد و مخالف عبارت «... وقد عَلِمْنَا أَنَّا لَا نُحِيطُ بِجَمِيعِ مَا رَوَى عَنْهُمْ فِي هَذَا الْمَعْنَى وَلَا فِي غَيْرِهِ، لَكِنْ مَا وَقَعَ لَنَا مِنْ جِهَةِ الثَّقَاتِ مِنْ أَصْحَابِنَا وَلَا أَخْرَجْتُ فِيهِ حَدِيثاً رُوِيَ عَنِ الشُّذَّازِ مِنَ الرِّجَالِ يُوَثِّرُ ذَلِكَ عَنْهُمْ الْمَذْكُورِينَ غَيْرَ الْمَعْرُوفِينَ بِالرَّوَايَةِ؛ الْمَشْهُورِينَ بِالْحَدِيثِ وَالْعِلْمِ» (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ۴) است پس نمی توان وثاقت تمام روایات موجود در سلسله اسناد «کامل الزیارات» را برداشت نمود بلکه منظور نویسنده از بیان عبارت «اصحابنا» فقط به ثقه بودن مشایخش اشاره دارد (شبیری زنجانی، ۱۳۹۷ ش، ۵-۳۰).

اما نکته قابل تامل آن که کتاب «کامل الزیارات» کتابی معتبر می باشد اما با این وجود در آن روایان ضعیف و به خصوص از واقفیان مثل علی بن ابی حمزه و حسن بن علی بن ابی حمزه که از سران واقفه هستند به تعداد ۱۶ روایت وجود دارد (ابن قولویه قمی، ۱۳۵۶ ش) این درصد روایت از روایات غیر امامی این امکان را مطرح می کند که با وجود ضعف این افراد اما روایات ایشان قبل از پذیرش مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته و سپس توسط نویسنده کتاب نقل شده است. احمد بن محمد بن خالد برقی نیز همچون دیگر علمای حدیثی متقدم به این نکته توجه داشته و احادیثی را از جامورانی نقل کرده که صحیح و یا از طریق های دیگری نقل شده باشند.

۳-۲. ضعف راوی به جهت واقفی بودن

از جمله دلایلی که برای ضعف مشایخ احمد بن محمد بن خالد برقی گفته شده، واقفی بودن و فاسدالمذهب بودن راوی می باشد که عثمان بن عیسی ابوعمر و کلابی از جمله ایشان است.

۳-۲-۱. عثمان بن عیسی ابوعمر و العامری الکلابی

عثمان بن عیسی الکلابی واقفی از فرزندان «عبید بن رؤاس» یکی از مشایخ واقفه می باشد که در روایات با نام های عثمان بن عیسی الکلابی، عثمان بن عیسی العامری و عثمان بن عیسی الرواسی آمده و از اصحاب موسی بن جعفر (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۳۰۰) و امام رضا (ع) می باشد (طوسی، ۱۴۲۷ ق، ۳۶۰) وی کتبی هم چون «المیاه» (طوسی، ۱۴۲۷ ق، ۳۶۰)، «القضایا و الأحکام»، «الوصایا» و «الصلاة» دارد (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۳۰۰). در رجال شیخ طوسی و نجاشی به واقفی بودن وی تصریح شده اما در کتاب الضعفاء

ابن غضائری نامی از وی برده نشده است. علمایی موثق هم چون فضل بن شاذان، علی بن اسباط و ابراهیم بن هاشم از عثمان بن عیسی روایت کرده‌اند (خویی، ۱۴۱۳ق، ۱۲: ۱۳۲).

به گفته نصر بن صباح، عثمان بن عیسی به عنوان یکی از وکلای امام موسی بن جعفر (ع) پس از فوت امام (ع) اموال بسیاری نزدش بود؛ اما به گروه واقفیه پیوست و منکر فوت امام و قبول جانشینی فرزندش ۳ امام رضا (ع) شد. امام هشتم (ع) طی نامه‌ای از عثمان بن عیسی درخواست اموال را کردند که وی از بازپس دادن اموال خودداری کرد اما بعد از مدتی پشیمان شد و توبه کرد و اموال را به امام (ع) بازگرداند. در نقلی دیگر آمده که وقتی امام رضا (ع) به عثمان بن عیسی الکلابی نامه می‌نویسد و می‌فرماید: «پدر من مرده است پس اموالی که از ایشان به امانت در نزد خود داری به من بازگردان» عثمان بن عیسی در جواب می‌گوید: «شواهدی دال بر فوت پدر شما وجود ندارد و بر فرض فوت پدر شما، ایشان به من امر نکرده تا اموال را به شما بازگردانم» (طوسی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۸۶۰).

به باور آیت‌الله خویی، عثمان بن عیسی بدون شک منحرف از حق و مخالف امام رضا (ع) بوده و او را امام نمی‌دانست و اموال امام را به او برنگردانده است. به علاوه، توبه‌ای که نصر بن صباح نقل کرده، قابل اثبات نیست (خویی، ۱۴۱۳ق، ۱۲: ۱۳۱)؛ اما با توجه به نظرات شیخ طوسی در کتاب «العهده» و ابن شهر آشوب درباره عیسی کلابی، روایات علی بن ابراهیم از عیسی کلابی و هم‌چنین با اشاره به این‌که برخی وی را از اصحاب اجماع دانسته‌اند، عثمان بن عیسی را در نقل حدیث، ثقه می‌دانند. (خویی، ۱۴۱۳ق، ۱۲: ۱۳۲) بنابراین عثمان بن عیسی فردی واقفی مذهب، از جمله اصحاب امام هفتم و وکیل ایشان و در رجال «الضعفاء» ابن غضائری نامی از وی برده نشده و دارای کتبی است. در کتاب «العهده» شیخ توثیق شده و نیز با توجه به این‌که در زنجیره حدیثی از افراد ثقه نقل کرده و ثقات نیز از وی نقل کرده‌اند در دیدگاه خویی توثیق شده است. از عثمان بن عیسی کلابی در کتاب «المحاسن» مجموعاً ۶۰ روایت آمده که از این موارد بیشترین روایات را از امام صادق (ع) داشته و فقط در چهار مورد از امام علی و امام موسی کاظم (ع)، رشید هجری و ابی حمزه ثمالی روایت داشته است. همچنین عثمان بن عیسی در غالب موارد از طریق افراد متعددی همچون ابی ایوب، ابی جراح، علی بن حماد، علی بن سالم، سعید بن یسار و دیگران فقط یک روایت دارد اما بیشترین فراوانی مربوط به طریق سماعه بن مهران و خالد بن نجیح می‌باشد.

۳-۳. استفاده از عبارت «ضعیف» به صورت مطلق

علت سوم در جرح علمای رجالی، ضعف مطلق است بدین معنا که فقط از واژه ضعیف به صورت مطلق استفاده شده؛ اما نکته مهم درباره نوع سوم، تساوی دیدگاه علمای رجال در توثیق و تضعیف روایات مورد نظر می باشد.

۳-۳-۱. بکر بن صالح الرازی

بکر بن صالح رازی از جمله دیگر روایتی است که احمد بن محمد بن خالد برقی در کتاب «المحاسن» از وی روایت کرده است. در کتب رجالی، بکر بن صالح یک بار با عنوان «بنی ضبه» و بار دیگر با عبارت «مَوْلَى بَائِسِ مَوْلَى حَمَزَةَ بْنِ الْيَسَعِ الْأَشْعَرِيِّ» آمده که همین مساله موجب دوگانگی در شخصیت رجالی این اسم شده است.

بکر بن صالح رازی بنی ضبی، به علت نقل بسیار از روایات منفرد غریب، ضعیف می باشد (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ۴۴؛ علامه حلی، ۱۴۰۲ق، ۲۰۸)؛ اما از سوی نجاشی و شیخ طوسی درباره وی مدح و ذمی وجود ندارد. در کتب فهرست برای وی آثاری بر شمرده اند: کتاب اول درباره درجات ایمان، وجوه کفر، استغفار و جهاد می باشد. کتاب از طریق ابن ابی جید از محمد بن الحسن بن الولید از صفار از ابراهیم بن هاشم از بکر بن صالح روایت شده (طوسی، بی تا، ۳۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ق، ۲۸) و کتاب دوم نوادری است که از طریق محمد بن علی از احمد بن محمد بن یحیی از پدرش از احمد بن محمد بن عیسی از محمد بن خالد برقی از بکر بن صالح روایت شده که خود کتاب به خاطر اختلاف در روایتش، کتابی مختلف است (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۰۹)؛ اما بکر بن صالح رازی مولى حمزة بن اليسع الأشعري فردی ثقه است (علامه حلی، ۱۴۰۲ق، ۷۲؛ طوسی، ۱۴۲۷ق، ۵۸۳). این در حالی است که ابن داود حلی، بکر بن صالح بنی ضبی را با بکر بن صالح اشعری جمع نموده و معتقد به ثقه بودن وی می باشد (ابن داود حلی، ۱۳۴۲ش، ۷۳).

مساله دیگر در شخصیت رجالی بکر بن صالح این است که شیخ طوسی یک مرتبه بکر بن صالح الرازی بنی ضبی را از اصحاب امام رضا (ع) (طوسی، ۱۴۲۷ق، ۳۵۳) و بار دیگر جزء «مَنْ لَمْ يَرَوْعَنْ وَاحِدٍ مِنَ الْأَيْمَةِ» دانسته (طوسی، ۱۴۲۷ق، ۴۱۷) اما شیخ نجاشی، بکر بن صالح بنی ضبی را جزء اصحاب امام هفتم می داند (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۰۹). به اعتقاد آقای خویی، این مساله که یک بار جز اصحاب امام رضا (ع) و بار دیگر در باب سیزدهم آمده اشکالی ندارد چون صحابه بودن تلازمی با روایت کردن

ندارد پس می‌تواند جزء اصحاب امام رضا (ع) باشد ولی روایتی از وی به صورت مستقیم نداشته باشد (خویی، ۱۴۱۳ق، ۴: ۲۵۲).

تعداد ۱۹ روایات از سوی بکر بن صالح رازی در کتاب «المحاسن» آمده است. بررسی کتاب کافی نیز نشان می‌دهد که مجموعاً ۶۲ روایت از بکر بن صالح از طریق علی بن ابراهیم، محمد بن عبدالله، سهل بن زیاد و محمد بن یحیی نقل شده که غالب روایات از امام صادق (ع) است و سپس از امام هفتم و امام رضا (ع) روایت می‌کند. وی دو مرتبه، یک بار با امام صادق (ع) و بار دیگر با ابوالحسن (ع) مکاتبه داشته است. مشایخ حدیثی وی سلیمان بن جعفر الجعفری، حسن بن علی، محمد بن سنان، محمد بن ابی حمزه، علی بن اسباط، ریان بن شیب و موارد دیگری می‌باشد که از برخی مثل جعفری ده روایت و از برخی مثل ریان بن شیب یک روایت دارد که روایات گاهی دچار رفع می‌شود. در کتب «من لا یحضره الفقیه» نیز مجموعاً سه روایت آمده که در کافی نیز همان روایات وجود دارد و در «تهذیبین» ۲۳ روایت از وی نقل شده است.

۳-۳-۲. شریف بن سابق التفلیسی

شریف بن سابق تفلیسی با کنیه ابومحمد اصالتاً اهل کوفه است که به تفلیس می‌رود (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۹۵). کتابی دارد (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ق، ۵۹) که ما از طریق گروهی از اصحاب مان از حسن بن حمزه علوی طبری از ابن بطه از احمد بن محمد از پدرش از شریف بن سابق مطلع هستیم (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۹۵). روایات نقل شده از او، از طریق فضل بن ابی قره سهندی از ابی عبدالله به ما می‌رسد (علامه حلی، ۱۴۰۲ق، ۲۶۷).

شیخ طوسی نام وی را در باب سیزدهم کتاب آورده و یادآور شده که احمد بن محمد بن خالد برقی از او روایت کرده است (طوسی، ۱۴۲۷ق، ۴۲۸). درباره شخصیت رجالی وی شیخ طوسی و نجاشی از نظر توثیق و تضعیف چیزی نمی‌گویند اما برخی وی را ضعیف و مضطرب الامر می‌دانند (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ۶۸؛ علامه حلی، ۱۴۰۲ق، ۲۲۹؛ ابن داود حلی، ۱۳۴۲ش، ۲: ۴۶۱). به نظر آیت الله خویی از آن جا که نجاشی و شیخ طوسی سخنی درباره مدح و ذم ابومحمد ندارند و درباره انتساب کتاب «الضعفاء» به ابن غضائری نیز محل تردید است؛ بنابراین فقط می‌توان گفت که بر روایاتی که از او نقل می‌شود نمی‌توان اعتماد کرد (خویی، ۱۴۱۳ق، ۱۰: ۲۳).

در کتاب «المحاسن» فقط یک روایت از شریف بن سابق تفلیسی به طریق زیر آمده است: احمد بن محمد بن خالد برقی از علی بن عبدالله از شریف بن سابق تفلیسی از فضل بن ابی قره از امام صادق (ع). در کتاب «الکافی» نیز مجموعاً ۱۵ روایت آمده که به جز یک مورد، همه روایات از طریق احمد بن محمد بن خالد برقی از شریف از فضل ابی قره از امام صادق است. در کتب «من لا یحضره الفقیه» ۲ روایت و در «تهذیبین» نیز ۳ روایت آمده که همگی از طریق احمد بن محمد بن خالد برقی می باشد.

۳-۳-۳. القاسم بن یحیی بن الحسن بن راشد

قاسم بن یحیی که جدش حسن بن راشد از جمله وزرای دولت عباسی می باشد (علامه حلی، ۱۴۰۲ق، ۲۴۸)، یکی دیگر از کسانی است که برخی اعتقاد به ضعف وی دارند. در کتاب های رجال طوسی و نجاشی، درباره قاسم بن یحیی، ذم و مدحی نیامده اما ابن غضائری وی را ضعیف می داند و می گوید: «رَوَى عَنْ جَدِّهِ وَ ضَعِيفٌ» (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ۸۶) و سید بن طاووس و علامه حلی نیز وی را تضعیف کرده اند (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق، ۵۵۳؛ علامه حلی، ۱۴۰۲ق، ۲۴۸).

شیخ، قاسم بن یحیی را علاوه بر این که به عنوان یکی از اصحاب امام رضا (ع) معرفی کرده، جزء «مَنْ لَمْ يَرَوْ عَنْهُمْ» نیز دانسته است (طوسی، ۱۴۲۷ق، ۳۶۳ و ۴۳۶). قاسم بن یحیی همچنین دارای کتابی درباره «آداب امیرالمومنین» می باشد (طوسی، بی تا، ۱۲۷؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ق، ۲۲) که از دو طریق نقل شده است. در طریق اول؛ ابی المفضل از ابن بطه از احمد بن ابی عبدالله و در طریق دوم؛ ابن ابی جید از ابن الولید از صفار از احمد بن محمد بن عیسی آمده است (طوسی، بی تا، ۱۲۷).

قاسم بن یحیی به طور کلی ۴۳ روایت در کتاب «المحاسن» دارد و به جز یک مورد که از «عَبَّاس» نقل کرده، بقیه را از جدش «حسن بن راشد» آورده است. در کتبی همچون «الکافی» و «من لا یحضره الفقیه» به ترتیب ۶۴ و ۴ روایت از قاسم بن یحیی از طریق احمد بن محمد بن عیسی، علی بن ابراهیم و احمد بن محمد بن خالد برقی نقل شده است. نکته قابل توجه درباره روایات قاسم بن یحیی، نقل ۹۹ درصدی روایات از طریق پدر بزرگش «حسن بن راشد» می باشد که بنابر اتفاق علمای رجال «حسن بن راشد» فردی ضعیف است، علت ضعف را نیز فاسدالمذهب بودن حسن بن راشد دانسته اند (علامه حلی، ۱۴۰۲ق، ۲۱۳-۲۱۴).

هرچند سیدین طاووس و ابن غضائری وی را تضعیف کرده‌اند اما بایستی توجه داشت که شیخ صدوق در انتخاب روایات به طرق معتبر اعتماد کرده و آن را بین خود و خدا حجت دانسته؛ بدین صورت به صحت روایات کتابش فتوا داده است. از جمله روایات کتابش روایتی درباره کیفیت زیارت قبر امام حسین (ع) می‌باشد که از طریق قاسم بن یحیی روایت می‌کند. شیخ صدوق پس از بیان روایت مذکور می‌فرماید: «وَ اخْتَرْتُ هَذِهِ لِهَذَا الْكِتَابِ لِأَنَّهَا أَصَحُّ الزِّيَارَاتِ عِنْدِي مِنْ طَرِيقِ الرَّوَابَةِ وَ فِيهَا بَلَاغٌ وَ كِفَايَةٌ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۲: ۵۹۸) این روایت در کتب کامل الزیارات، کافی و دیگر کتب متأخر روایی نیز موجود است (خانی مقدم و دیاری بیدگلی، ۱۳۹۸ش، ۱۹۸).

به اعتقاد آیت‌الله خویی نیز این که نام قاسم بن یحیی جزء اصحاب امام رضا (ع) و نیز جزء «مَنْ لَمْ يَرَوْ عَنْهُمْ» آمده دلالت بر ذم نیست. از آن جا که در دوران امام رضا (ع) زیسته جزء اصحاب وی آمده و از آن جا که روایت مستقیم و بی‌واسطه از امام نداشته جزء «مَنْ لَمْ يَرَوْ عَنْهُمْ» آمده است (خویی، ۱۴۱۳ق، ۱۵: ۶۹).

بنابراین به جز قول ابن غضائری از متقدمان نسبت به ضعف ایشان، دیگر علمای رجال متقدم مدح و ذمی نداشته‌اند و شاید علت آن را بتوان نقل ۹۹ درصدی روایات از جدش که از نظر رجالی فردی ضعیف است دانست. از سوی دیگر نیز شیخ صدوق طریق قاسم بن یحیی در نقل روایت کیفیت زیارت امام حسین (ع) کاملاً صحیح می‌داند؛ بنابراین برای فهم صحیح از شخصیت رجالی قاسم بن یحیی بایستی محتوای روایات وی و طرق دیگری که این احادیث را بیان نموده‌اند مورد بررسی قرار گیرد که موضوع این مقاله نیست.

۴. راستی آزمایی عبارت «یروی عن الضعفاء» درباره شخصیت رجالی احمد بن محمد بن خالد برقی

بررسی مشایخ ضعیف احمد بن محمد بن خالد برقی نشان می‌دهد که ضعف ایشان از نظر علمای رجال دارای آرای متفاوتی است که به ترتیب اشاره می‌شود:

اولین دیدگاه در تضعیف، به غالی‌گری راوی اشاره دارد که موجب جرح اشخاصی همچون أبوسمینه صیرفی، حماد کوفی و جامورانی به دلیل غلو شده‌اند. در بین این راویان تنها درباره أبوسمینه تمام علمای رجال معتقد به غالی بودن وی هستند؛ البته تحقیقات صورت گرفته درباره روایات أبوسمینه و چگونگی اعتماد شیخ صدوق به روایت‌های وی نشان می‌دهد که این روایات توسط شیخ صدوق پالایش و بررسی و

سپس توسط ایشان استفاده شده که نزدیک به ۲۲۰ روایت است. عبدالرحمان حماد کوفی به‌عنوان دومین فرد غالی از سوی ابن‌غضائری و رجال ابن‌داود معرفی و تضعیف شده اما شیخ طوسی درباره وی نظری نداده و مدح و ذمی نکرده است و نجاشی وی را «متهم به غلو» می‌داند به‌خاطر همین آیت‌الله خوئی نگاهی انتقادی به نظر رجالی ابن‌غضائری دارد. هم‌چنین طی تحقیقی که توسط بهرامی و حسینی (۱۳۹۱ش) صورت گرفته، روایات عبدالرحمان حماد کوفی توسط علمای حدیث پالایش شده و روایات غلوآمیز را به کناری نهاده‌اند. شخصیت رجالی ابوعبدالله الرازی الجامورانی نیز از طریق ابن‌غضائری ضعیف و غالی دانسته شده؛ اما دیگر رجالیون متقدم همچون نجاشی و شیخ طوسی نظری ندارند و نکته قابل توجه وجود ۱۰ روایت از جامورانی در کتاب «کامل الزیارات» است که توسط برخی از علمای رجال، سلسله اسناد این کتاب توثیق شده است.

دومین دیدگاه در تضعیف، مربوط به واقفی بودن راوی است. در میان گروه‌های انحرافی، فرقه واقفه پس از غلات بیشترین لطمه را به اندیشه کلامی شیعه وارد ساخته؛ اما روایت آنان بر خلاف غالیان از گردونه روایات امامیه حذف نشده و بخش مهمی از فقه امامیه، وام‌دار روایات واقفه است. متقدمان بین علمیت راوی و اعتقادات آن‌ها، قائل به تفکیک بوده و روایاتی را که بیانگر اعتقادات اختصاصی این فرقه بوده، منعکس نمی‌کردند (غلامعلی، ۱۳۹۳ش، ۴۵).

به‌خاطر همین درباره شخصیت رجالی عثمان بن‌عیسی کلایی محل اختلاف است. از یک سو، شیخ طوسی و نجاشی به واقفی بودن وی تصریح دارند، از سوی دیگر خود شیخ طوسی در کتاب «العهده» وی را توثیق می‌کند و ابن‌شهر آشوب نیز چنین عقیده‌ای دارد. به‌عقیده آیت‌الله خوئی وی فردی ثقه است چون عده‌ای وی را جزء اصحاب اجماع دانسته و مشایخ بزرگی از او روایت کرده و نیز در کتاب محاسن ۶۰ روایت دارد. در واقع قدما بین مذهب واقفه و چگونگی روایت ایشان تفکیک قائل می‌شدند. (غلامعلی، ۱۳۹۳ش، ۵۸) و نیز خط قرمز متقدمان عدم نقل روایات اعتقادات اختصاصی منحرفان است. به‌طور مثال شیخ طوسی در ابتدای کتاب الغیبه، ۷۵ روایت از راویان ثقه و غیر ثقه واقفی نقل کرده و تمام آن‌ها را نقد و بررسی می‌کند (طوسی، ۱۴۱۱ق، ۲۳؛ غلامعلی، ۱۳۹۳ش، ۶۰). بنابراین با مطالعه شیوه برخورد متقدمان با منحرفان اعتقادی در می‌یابیم که باورهای اعتقادی لزوماً در نقل روایت موثر نیست و نمی‌توان بین اعتقادات و گفتار راوی، همیشه تلازم ایجاد کرد.

سومین دیدگاه در تضعیف راوی، ضعف مطلق است یعنی علمای رجال فقط به ضعیف بودن اشاره کرده و مواردی دیگر همچون تدلیس، غلو، واقفی و فاسدالمذهب را نگفته‌اند؛ اما ویژگی مشترک همه این راویان تساوی در مدح و ذم است به گونه‌ای که برتری یکی بر دیگری سخت می‌باشد. به‌طور مثال درباره شخصیت رجالی بکر بن صالح رازی و شریف بن سابق چنین است. قدمای رجالی همچون شیخ طوسی و نجاشی ایشان را مدح و ذم نکرده؛ اما ابن غضائری و سپس رجالیون متاخر وی را تضعیف کرده که البته به ضعف، بدون نظر اجتهادی اشاره شده است. درباره شخصیت رجالی قاسم بن یحیی نیز بایستی گفت که با وجود تضعیف ابن غضائری، شیخ طوسی و نجاشی درباره وی چیزی نمی‌گویند و حتی شیخ طوسی در کتاب «فهرست» از کتاب «آداب امیرالمؤمنین» نام می‌برد که از دو طریق ابی المفضل از ابن بطه از احمد بن ابی عبدالله و ابن ابی جید از ابن الولید از صفار از احمد بن محمد بن عیسی آمده و این خود به گونه‌ای مدح وی است چون در زنجیره سند احمد بن ابی عبدالله و احمد بن محمد بن عیسی قرار دارند. آیت‌الله خوبی نیز با استناد به روایتی که درباره کیفیت زیارت قبر امام حسین در کتاب شیخ صدوق آمده، اعتقاد به ثقه بودن قاسم بن یحیی دارد و خود شیخ صدوق نیز سند این روایت را جزء صحیح‌ترین سندها می‌داند.

شکل ۲- نظرات علمای رجال در مشایخ ضعیف «المحاسن»

ردیف	نام راوی	مقدمان			متاخران	
		مدح کنندگان	ذم کنندگان	بدون نظر	مدح کنندگان	ذم کنندگان
۱	محمد بن علی الصیرفی ابوسمینه	طوسی کشی ابن غضائری			علامه حلی خویی	بدون نظر
۲	عبدالرحمان بن حماد کوفی		ابن غضائری: حتماً عالی نجاشی: متهم به غلو	طوسی	ابن داود علامه حلی	
۳	ابوعبدالله الرازی الجامورانی		ابن غضائری	طوسی نجاشی	علامه حلی ابن داود	خویی

۴	عثمان بن عیسی العامری الکلابی	طوسی	طوسی نجاشی	ابن شهر آشوب خویی	علامه حلی
۵	بکر بن صالح رازی		ابن غضائری، ذم تلویحی: نجاشی	طوسی نجاشی	علامه حلی ماهقانی
۶	شریف بن سابق		ابن غضائری، نجاشی	طوسی، نجاشی	علامه حلی، ابن داود.
۷	قاسم بن یحیی		ابن غضائری، نجاشی	طوسی، نجاشی	علامه حلی، سید بن طاووس.

با توجه به آنچه گفته شد، دو نکته شایان توجه است: نکته اول درباره چگونگی نگرش علمای رجال به مشایخ ضعیف «المحاسن» می باشد. بنابر این تحقیق، فقط درباره برخی از ایشان مثل أبوسمینه، عبدالرحمان بن حماد و جامورانی صراحت در ضعف وجود دارد، و راویان دیگر این ویژگی را ندارند و اعتقاد به ضعف درباره این راویان از سوی ابن غضائری مطرح شده به خصوص که درباره انتساب کتاب «الضعفاء» به ایشان شک و تردید وجود دارد و برخی نیز دیدگاه های غلوآمیز ابن غضائری را نشان دهنده سخت گیری بیشتر مکتب قم نسبت به بغداد در جرح و تعدیل روایات می دانند. البته نباید از نظر دور داشت که درباره شخصیت رجالی این مشایخ نیز در غالب موارد از سوی متقدمان سکوت شده به ویژه که برخی از ایشان دارای ۶۰ روایت در کتاب «المحاسن» می باشند.

نکته دوم نقل عبارت «یروی عن الضعفاء» درباره احمد بن محمد بن خالد برقی است. همان طور که گفته شد شیخ نجاشی درباره وی معتقد است: «فی نفسه ثقّه و یروی عن الضعفاء» که البته این دیدگاه درباره محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری قمی نیز وجود دارد. نجاشی می گوید: «وی از ضعفا نقل روایت می کرد و به مراسیل اعتماد می نمود و توجهی نداشت که حدیث را از چه کسی می گیرد»؛ اما خود نجاشی او را فی نفسه خالی از طعن می داند. (نجاشی، ۱۳۶۵، ش، ۷۶) شیخ طوسی نیز درباره محمد بن احمد بن یحیی می گوید: «جلیل القدر و کثیر الروایه» (طوسی، بی تا، ۲۲۱). در این باره نیز می توان معتقد به سه دیدگاه شد:

دیدگاه اول این که احمدبن محمدبن خالد برقی درباره این مشایخ به خصوص عبدالرحمان بن حماد و جامورانی معتقد به ضعف نیست و گرنه دلیلی نداشت که روایت از طریق ایشان نقل کند و می توانست از طرق دیگر انجام دهد؛

دیدگاه دوم آن که هر چند برخی از ایشان ضعیف هستند اما احمدبن محمدبن خالد برقی، روایات ایشان را پس از اعتبارسنجی صحت روایاتشان در کتاب «المحاسن» آورده است به طور مثال هر چند که عیسی کلابی و یحیی بن قاسم خودشان یا مشایخشان جزء سران واقعه هستند اما احمدبن خالد برقی روایات ایشان را پس از ارزیابی در کتب خود آورده است. نگارش مقالاتی درباره راستی آزمایی روایات نقل شده از سوی ابوسمینه و حماد کوفی نیز تایید کننده این امر است؛

دیدگاه سوم، دیدگاهی ترکیبی است بدین منظور که وقتی اشخاصی مثل عیسی کلابی واقفی و یحیی بن قاسم به ترتیب دارای ۶۰ و ۴۳ روایت در کتاب «المحاسن» می باشند ضعفی از نظر احمدبن محمدبن خالد برقی وجود ندارد اما علت کاستی در استفاده از روایات افرادی مثل شریف بن سابق، جامورانی و صیرفی در کتاب به جهت ضعف ایشان است که پس از اعتبارسنجی روایاتشان، از این مشایخ ضعیف نقل حدیث کرده است.

۵. نتیجه گیری

بررسی برخی از مشایخ ضعیف کتاب «المحاسن» احمدبن محمدبن خالد برقی نتایج ذیل را در پی دارد:

۱- علمای رجال در بررسی شخصیت رجالی این مشایخ ضعیف، درباره برخی همچون ابوسمینه، حماد کوفی و جامورانی معتقد به غلو هستند؛ علت ضعف عیسی کلابی را واقفی بودن می دانند و درباره بکر بن صالح رازی، شریف بن تقلیسی و قاسم بن یحیی به صورت مطلق از واژه «ضعیف» استفاده کرده اند.

۲- علمای رجال متقدم به صورت هماهنگ و یکپارچه معتقد به ضعف بودن این مشایخ هفت گانه نیستند و برخی سکوت را اختیار نموده اند. علمای رجالی متاخر نیز در غالب موارد چنان چه رویکرد تضعیفی داشته باشند سخنان ابن غضائری را نقل نموده و اگر همچون آیت الله خویی از رویکرد تحلیلی استفاده کنند در برخی موارد توثیق و برخی موارد تضعیف کرده اند. بنابراین استفاده از عبارت «یروی عن الضعفاء» درباره شخصیت رجالی احمدبن محمدبن خالد برقی صحیح نمی باشد چون دیدگاه و نظرات متفاوت است.

۳- رویکرد استفاده از روایات مشایخ ضعیف، توسط احمدبن محمدبن خالد برقی در کتاب «المحاسن» که یکی از بزرگ‌ترین کتب متقدم روایی و به عنوان منبعی برای نگارش کتب اربعه روایی است را می‌توان سه صورت در نظر گرفت: اول، خود احمدبن محمدبن خالد برقی اعتقادی به ضعف ایشان ندارد؛ دوم، هرچند این مشایخ ضعیف هستند اما پس از اعتبارسنجی روایات ایشان، از روایاتشان استفاده نموده و سوم این‌که احمدبن محمدبن خالد برقی رویکردی ترکیبی در نقل از این مشایخ یاد شده داشته است.

منابع

آقابزرگ تهرانی، مرتضی، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۳ق. ابن شهرآشوب، محمدبن علی، معالم العلماء في فهرست كتب الشيعة، نجف، المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۰ق.

ابن طاووس، احمدبن موسی، التحرير الطاووسی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۱ق. ابن غضائری، احمدبن حسین، الرجال، محقق: محمدرضا حسینی جلالی، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۲ق. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، محقق: عبدالحسین امینی، نجف، دارالمرتضویة، ۱۳۵۶ش. انصاری، مرتضی، الطهارة، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق. برقی، احمدبن خالد، المحاسن، محقق: جلال‌الدین محدث، قم، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ش. بشروی خراسانی، عبدالله بن محمد، الوافیة فی اصول الفقه، تحقیق: محمدحسین رضوی، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۲ق.

بهای، محمدبن حسین، الوجیزة فی علم الدراییة، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا. ترابی شهرضایی، اکبر، پژوهشی در علم رجال، تهران، اسوه، ۱۳۸۷ش. حلّی، حسن بن علی بن داود، الرجال، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش. توحیدلو، اکبر. "وثاقت برقی با تاکید بر مشایخ او در کتاب المحاسن". علوم حدیث، ۷۸(۱۳۹۴ش): ۱۴۳-۱۶۳.

حراملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعة، محقق: موسسه آل‌البتیت (ع)، قم، موسسه آل‌البتیت، ۱۴۰۹ق. حسینی، سیدعلی رضا، و علی رضا بهرامی. "بازخوانی سیره حدیثی محمدبن خالد برقی". پژوهش‌های قرآن و حدیث ۴۵، ۲(۱۳۹۱ش): ۳۹-۶۶. doi:10.22059/JQST.2013.30569

حلّی، حسن بن یوسف، رجال العلامة الحلّی، مصحح: محمداصادق بحرالعلوم، قم، الشریف الرضوی، ۱۴۰۲ق.

خاتمی، محمد، ذخیره المعاد، قم، دلیل ما، ۱۳۹۵ش. خانی مقدم، مهیار، و محمدتقی دیاربیدگلی. "تحلیل سندی و محتوایی حدیث «قُولُوا فینا ما سَنُتَمُّ...» با رویکردی به نفی غلو از ساحت اهل بیت (ع). مطالعات فهم حدیث ۵، ۱۰(۱۳۹۸ش): ۱۹۳-

doi:10.30479/mfh.2019.1674 .۲۱۰

خویی، ابوالقاسم، معجم رجال‌الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، بی‌جا، بی‌نا، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ق. زرکشی، محمدبن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق: محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت، د اراحياءالکتب العربیة، ۱۳۷۶ش.

- ستار، حسین، سیدمحمد موسوی، و سیدامیرالیا س موسوی. "اثربذیری کلینی از پیشینیان در تدوین و تبویب اصول الکافی (موردپژوهی؛ کتاب «عقل و جهل»، «ایمان و کفر» و «حجت»)." مطالعات فهم حدیث ۸. ۱۶(۱۴۰۱ش): ۹-۳۱. doi:10.30479/mfh.2022.2581
- شیرازی زنجانی، سیدموسی. "کامل الزیارات و شهادت ابن قولویه به وثاقت راویان". پژوهش های رجالی ۱، ۱(۱۳۹۷ش): ۵-۳۰.
- شهیدثانی، زین الدین، شرح لمعه، قم، دارالتفسیر، ۹۵۶ق.
- شیرزاد، محمدحسن، محمدحسین شیرزاد، و محسن نورایی. "جریان فکری ادب و بازخوانی دلایل اخراج و بازگشت احمد برقی به قم". تحقیقات علوم قرآن و حدیث ۳، ۱۴(۱۳۹۶ش): ۱۰۹-۱۳۵.
- صادقی فدکی، سیدجعفر. "نقد و بررسی پنج دیدگاه درباره تعداد آیات الاحکام". پژوهش های فقهی ۷، ۴(۱۳۹۰ش): ۳۵-۶۶.
- صدر، حسن، نهایی الدرايه فی شرح الرساله الموسومه بالوجیزه للبهایی، بی جا، مشعر، بی تا.
- صدوق، محمدبن علی، الأمالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ش.
- _____، من لایحضره الفقیه. محقق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- طالقانی، سیدحسن. "اخراج راویان قم؛ اقدامی اعتقادی یا اجتماعی". نقد و نظر ۱۷، ۶۷(۱۳۹۱ش): ۹۲-۱۰۵.
- طاهریان قادی، معصومه، سیدمحسن موسوی، مهدی تقی زاده طبری، و سیدعلی اکبر ربیع نتاج. "دلایل اعتماد شیخ صدوق به روایات ابوسمینه". مطالعات اعتبارسنجی حدیث، ۲(۱۳۹۸ش): ۹-۳۶.
- طباطبائی حکیم، محسن، مستمسک العروه الوثقی، قم، موسسه دارالتفسیر، ۱۴۱۶ق.
- طوسی، محمدبن حسن، اختیار معرفة الرجال، محقق: مهدی رجایی، مصحح: محمدباقر بن محمد میرداماد، قم، موسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۴ق.
- طوسی، محمدبن حسن، الأمالی، محقق: مؤسسة البعثة، قم، دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
- _____، الفهرست، مصحح: محمدصادق بحر العلوم، نجف، مکتبه المرتضویه، بی تا.
- _____، تهذیب الاحکام، محقق: حسن الموسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- _____، رجال الطوسي، محقق: جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۷ق.
- _____، کتاب الغیبه، قم، دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
- غلامعلی، مهدی. "رابطه باورهای اعتقادی و احادیث امامیه با تکیه بر فرقه واقفه". تحقیقات کلامی ۲، ۷(۱۳۹۲ش): ۴۵-۶۲.
- قاسم نژاد، زهرا. "بازشناسی مفهوم ضعف راوی در منابع پنج گانه رجالی شیعه". حدیث پژوهی، ۲۹(۱۴۰۲ش): ۱۶۳-۱۸۸.
- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ق.
- معارف، مجید، و رضا قربانی زرین. "احمدبن محمدبن خالد برقی در آئینه المحاسن". لسان صدق ۱، ۱(بی تا): ۱-۱۷.
- مقدس اردبیلی، احمد، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، قم، موسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۳ق.
- موحدی لنکرانی، محمد، نهایی التقرير، قم، دفتر آیت الله لنکرانی، ۱۳۸۸ش.

موسوی، سیدہ سکینہ، محمد مہدی تقدیسی، و سیدہ فاطمہ حسینی میرصفی. "تحلیل و بررسی غلو ابوسمینہ؛ از راویان احادیث مہدوی و اعتبار یا بی اعتباری روایاتش". حدیث پژوهی ۱۴، ۱ (۱۴۰۱ ش): ۲۰۱-۲۱۸.

میرسلیم، مصطفی، دانشنامہ جہان اسلام، تہران، بنیاد دائرہ المعارف اسلامی، ۱۳۷۵ ش. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، محقق: موسی شیبیری زنجانی، قم، مؤسسۃ النشر الإسلام، چاپ ششم، ۱۳۶۵ ش.